



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

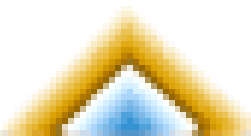
.net

.ir

# مقالات

چرا کسی از حاضران در غدیر  
به خلافت غیر  
امام علی اعتراض نکرد؟

پایگاه اطلاع رسانی بلاغ



مؤسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا کسی از حاضران در غدیر به خلافت غیر امام علی اعتراض نکرد؟

نویسنده:

حسین علی سعدی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	چرا کسی از حاضران در غدیر به خلافت غیر امام علی اعتراض نکرد؟
۶	مشخصات مقاله
۶	پرسش
۷	پاسخ
۱۸	منابع و مآخذ
۱۹	درباره مرکز

## چرا کسی از حاضران در غدیر به خلافت غیر امام علی اعتراض نکرد؟

### مشخصات مقاله

چرا کسی از حاضران در غدیر به خلافت غیر امام علی اعتراض نکرد؟

پایگاه اطلاع رسانی بلاغ

چرا کسی از حاضران در غدیر به خلافت عمر اعتراض نکرد؟

حسین علی سعدی

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی\_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

### پرسش

شیعه می گوید: هزاران صحابه در غدیر خم حضور داشتند، و همه شنیدند که پیامبر(ص) علی را به عنوان جانشین خود بعد از وفاتش تعیین کرد؛ اگر چنین است پس چرا از هزاران صحابه یکی به خاطر غضب شدن حق علی اعتراض نکرد، حتی عمار بن یاسر و مقداد بن عمرو و سلمان فارسی چیزی نگفتند و یکی از این ها نگفت: ای ابوبکر چرا خلافت را از علی غضب می کنی و حال آن که می دانی که پیامبر(ص) در غدیر خم چه گفت؟!

ص: 1

اصل وقوع حادثه غدیر از طریق نقل متواتر تاریخی اثبات شده است.

تاریخ نویسان با ثبت وقایع ، به صحت این مطلب اذعان کرده اند. حجیت این مطلب به قدری بود که در ادبیات، کلام، تفسیر و حتی معاجم حدیثی معتبر اهل سنت و شیعه راه پیدا کرد به نحوی که نسائی دانشمند بزرگ اهل تسنن، حدیث فوق را به 250 سند نقل کرده است.

اما در پاسخ سؤال شما باید گفت که: اساساً عمومیت عدم اعتراض صحابه در سقیفه، مورد نقض و ابطال است؛ البته حضرت علی (ع) طبق وصیت پیامبر (ص)، مأمور بود که نگذارد جامعه به دو دستگی کشیده شود، لذا ایشان بارها در مواقع مختلف با استناد به حدیث غدیر تنها به مخالفت قولی اکتفا کردند.

بزرگانی چون سلمان، مقداد، طلحه و... در اعتراض به سران سقیفه، کوتاهی نکردند و حتی زبیر، به سوی سردمداران سقیفه شمشیر کشید.

اما گروهی که سکوت را پسندیدند؛ یا

ص: 2

به خاطر رعایت مصلحت و دوری از تفرقه و خونریزی بود. و یا از روی ترس و تهدید عمّال خلیفه وقت. و یا این که خود از سرکار آمدن این گروه بهره های فراوانی می بردند.

در سؤال دو احتمال وجود دارد: احتمال اول اینکه عدم اعتراض صحابه به تصمیم سقیفه مفروض است و از آن اصل واقعه غدیر انکار شود؛ احتمال دوم این که اصل واقعه غدیر و عدم اعتراض صحابه مفروض باشد و دلالت حدیث غدیر بر ولایت حضرت علی (ع) انکار شود.

برای پاسخ به احتمال اول کافی است اصل وقوع حادثه غدیر از طریق نقل تاریخی اثبات شود.

کتاب تاریخی و روایی فراوانی از شیعه و سنی، به نقل واقعه غدیر خم اذعان کرده (1) و آن را از مسلمات دانسته اند. خلیل عبدالکریم، از بزرگان معاصر اهل سنت، در لابه لای بحث جمع آوری قرآن کریم می نویسد: "تعداد اصحاب پیامبر (ص)، در حجّة الوداع (که واقعه غدیر خم در آن روی داد)، صد و بیست و چهار هزار نفر بودند". (2) و نیز ابن کثیر می گوید: "اخبار و احادیث درباره رویداد غدیر خم، متواتر است و ما به قدر توان خویش (گوشه ای از آن را) به خواست خدا نقل می کنیم". (3)

گذشته از کتب تاریخی مذکور، در معاجم حدیثی اهل سنت، راویان بسیاری، به نقل حدیث غدیر پرداخته اند. برخی از ایشان این حدیث را با مضمون واحد به طرق متعددی ذکر کرده اند. که به عنوان مثال، نسائی این حدیث را به دوست و پنجاه سند، (4) نقل می کند.

تمامی اینها گواهی است بر فراوانی صحابه در واقعه غدیر خم که

ص: 3

---

1-1. احمدبن ابی یعقوب ابن جعفر ابن ابی واضح، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 112.

2-2. خلیل عبدالکریم، مجتمع الیثرب، ص 20.

3-3. الحافظ ابن کثیر دمشقی، البدایة والنهایة، ج 5، ص 213.

4-4. گروه معارف و تحقیقات اسلامی، غدیر سند گویای ولایت، ص 15.



هیچ گونه شک و تردیدی را در اصل قضیه و در تعدادش، باقی نمی گذارد.

گذشته از این که اجتماع چنین جمعیتی در غدیر خم هیچ گونه استبعاد عقلی ندارد، زیرا واقعه غدیر، در سرزمینی به نام رابغ، (1) در جحفه رخ داده است. در چهار راهی که مسیرهای عراق، مدینه، (2) و مصر از یکدیگر جدا می شدند. از این رو بسیاری از حجّاج برای بازگشت از حج ناگزیر، از این مسیر می گذشتند.

از لحاظ موقعیت زمانی نیز باید گفت که رویداد غدیر خم، در هجدهم ذی الحجّه (3) آخرین ماه از سال دهم هجری قمری، اتفاق افتاد. و در آن سال، جمعیت مسلمانان از همیشه بیشتر بود؛ زیرا آیات متعددی در این که حج از شعائر الهی است نازل شده بود و با تبلیغات روزافزون اسلام، قشرهای مختلف مردمی، به این دین الهی، روی آورده بودند.

از سوی دیگر، چون نبی اکرم (ص) دستور داده بود تا قبل از عزیمت به حج، همه جا اعلام کنند که شخص پیامبر (ص)، برای آموزش احکام حج، خود در این فریضه شرکت خواهد کرد. (4)

تمامی این علل موجب شد تا در آن سال، تعداد حجّاج بسیار زیادتر از همیشه باشد و چون واقعه غدیر خم، در رابغ اتفاق افتاد؛ و همایشی پرشکوه و بی مانند در غدیر خم شکل گرفت.

کافی است بدانیم که یکی از محققان شیعه امامیه یعنی علامه امینی (ره) حدیث غدیر را از یکصد و ده نفر (110) از صحابه پیامبر (ص) و 84 نفر از تابعین، و 360 نفر از دانشمندان اهل سنت نقل کرده است. (5) بر اساس تحقیق علامه امینی، تا زمان ایشان، بیست

ص: 4

---

1-5. همان، ص 7.

2-6. امینی، شیخ عبدالحسین، الغدیر، ج 1، ص 8.

3-7. المسعودی، التنبیه والأشراف، ص 222.

4-8. سبحانی، جعفر، فزاهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 504.

5-9. الغدیر، 30، ص 41 تا ص 305.

و شش کتاب مستقل توسط عالمان برجسته مسلمان از تشیع و تسنن در اثبات تواتر حدیث غدیر، به رشته تحریر در آمده است. (1)

احتمال دوم این که: چگونه می شود صحابه پیامبر با دیدن واقعه غدیر خم و شنیدن فرمایشات پیامبر (ص) و با وجود بیعت با علی (ع)، باز در سقیفه (2) کس دیگری را برای این امر الهی، برگزینند؟! این نکته می رساند که حدیث غدیر دلالت بر ولایت حضرت علی نداشته است.

در پاسخ بدین قسمت از سؤال باید گفت که، ادعای عدم اعتراض صحابه، در واقعه غدیر باطل است. و کم نبودند یاران راست گویی که بر پیمان خود اصرار کرده و سران سقیفه را از عمل هولناک خود نهی کردند.

حضرت علی (ع) که طبق وصیت حضرت پیامبر اسلام، مأمور بود که نگذارد جامعه به اغتشاش و دو دستگی کشیده شود، لذا ایشان فقط به مخالفت قوی پرداخت و برای اجرای فرمان غدیر دست به شمشیر نبرد و با ابوبکر نیز - تا زمانی که فاطمه زنده بود - بیعت نکرد و پس از او نیز از روی مصلحت و اکراه بیعت کرد. اما اعتراض قوی خود را ده ها بار در مواقع مختلف با استناد به حدیث غدیر اعلام کرد.

کسانی چون سلمان، ابوذر، طلحه، زبیر (3) و... زبان به مخالفت گشوده و دست بیعت به سوی ابوبکر دراز نکردند. بلکه به این هم اکتفا نکرده و زبیر، به روی سران سقیفه، شمشیر کشید. (4)

برخی از مورّخین اهل تسنن اشاره به این مطلب داشته اند که سلمان، ابی ذر، مقداد، عمار، و هشت نفر دیگر از بزرگان مهاجر و انصار تصمیم داشتند هنگام

ص: 5

---

1-10. همان، ص 313.

2-11. "سقیفه یعنی جایی که سقف خورده تا سایبانی باشد"، قلعبجی، محمّد، معجم لغة الفقهاء، ص 264.

3-12. ابراهیم ابن محمد جوینی خراسانی، فرائد السمطین، ج 2، ص 82.

4-13. ابی بکر احمد ابن عبدالعزیز جوهری، السقیفة والفدک، ص 50.

سخنرانی اول ابوبکر در مسجد (بعد از سقیفه) ابوبکر را از به زیر آورند بکشند اما قبل از آن نزد علی(ع) رفته و مشورت کردند، علی(ع) آنها را از این کار منع کرده و فرمود که به نزد آنها بروید و آنچه از رسول الله(ص) در مورد من شنیده اید باز گوئید تا حجت تمام شود آنها نیز چنین کردند از جمله سلمان خطاب به ابوبکر گفت: ای ابوبکر هر گاه از تو پرسند چیزی را که ندانی از که سؤال می کنی ... و چه عذر داری در اینکه مقدم شدی بر کسی که از تو داناتر است و قرابتش به رسول خدا از تو بیشتر و به تأویل کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) از تو عالم تر است ... و از ابوذر نقل شده که فرمود ای گروه قریش! کار زشتی کردید... شما و همه بزرگان و نیکان شما می دانند که پیامبر(ص) فرمود: امر خلافت بعد از من با علی(ع) است و بعد از او با دو فرزندم حسن و حسین(ع) و پس از آنها با پاکان از ذریه من پس گفته پیامبر را رها نموده و آخرت باقی را به دنیای فانی فروختید و سنت امت های گذشته را متابعت کردید که بعد از پیامبرانشان کافر شدند و... و آن ده تن دیگر نیز هر یک به مخالفت با ابوبکر پرداختند و سخن راندند. (1)

برخی نیز چون عباس عموی پیامبر، هرچند که به مخالفت علنی، آن هم به خاطر جلوگیری از اختلاف و خونریزی، پرداخت، اما از تأیید آنان نیز خودداری کرده و با ایشان بیعت نکرد (2).

ص: 6

---

1 - 14. احمد بن محمد الخلیلی النحوی، محمد بن جریر طبری (از موثقین اهل تسنن)، ابن ابی الحدید-به نقل از کلم الطیب ص 384-380.

2- 15. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 73.

از مجموع مخالفت عملی این عده از بزرگان صحابه و نیز تمسک پی در پی حضرت علی در مواقع مختلف برای اثبات حق خود به حدیث غدیر، معلوم می شود که دلالت حدیث غدیر بر ولایت آن حضرت تمام و صحیح است.

آری، همه کسانی که در غدیر خم حضور داشتند و سخن رسول گرامی را شنیدند که درباره علی (ع) فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» از سخن پیامبر (ص)، امامت و خلافت علی (ع) را فهمیدند. از هیچ یک از صحابه پیامبر (ص) نقل نشده است که درباره معنای کلمه «مولی» در حدیث متواتر غدیر، سخنی غیر از آنچه گفتیم، گفته باشد. دانشمندان اهل سنت تا کنون نتوانسته اند حتی یک نفر از صحابه پیامبر (ص) را نام ببرند که گفته باشد کلمه مولی در حدیث غدیر، معنایی غیر از امامت و خلافت دارد. بلکه همه آنان از کلمه مولی امامت و خلافت حضرت امیر المؤمنین (ع) را استفاده کرده اند. هم اکنون نام شمار زیادی از صحابه پیامبر (ص) که خود در غدیر خم حضور داشتند و سخن پیامبر (ص) را از نزدیک شنی ده اند، در منابع تشیع و تسنن ثبت است که تصریح کرده اند که کلمه مولی در سخن پیامبر (ص) به معنای امامت و خلافت علی (ع) است.

نمونه هایی از سخنان آنان به شرح ذیل است:

1. در طلیعه صحابه، خود امیر المؤمنین (ع) است که در پاسخ به نامه معاویه، ابیاتی نوشت که این مضمون در آنها آمده است:

فأوجب لی ولایته علیکم

رسول الله یوم غدیر خم

فویل ثم ویل ثم ویل

لمن

ص: 7

يلقى الاله غداً بظلمى (1)

پیامبر خدا، در روز غدیر خم، به امر خدا، ولایت را بر شما واجب کرد. پس وای بر آن که در روز باز پسین به ملاقات خدا رسد، در حالی که به من ظلم کرده باشد.

2. حسان بن ثابت: وی نخستین شاعری است که درباره داستان غدیر شعر سروده، و سروده خود را در اجتماع با شکوه غدیر و در حضور پیامبر (ص) قرائت کرده و مورد تحسین رسول خدا قرار گرفته است. قسمت هایی از سروده حسان چنین است:

.... فقال له: قم يا على فانى

رضيتك من بعدى اماماً و هادياً

فمن كنت مولاه فهذا وليه

فكونوا له اتباع صدق موالياً

هناك دعا اللهم وال وليه

و كن للذى عادى علياً معادياً. (2)

پیامبر اکرم (ص) به علی فرمود: برخیز که تو بعد از من پیشوای این خلقی. هر که من مولای اویم، علی مولای اوست، و بر شماست که به راستی، پیرو او باشید.

3. قیس انصاری: وی که خود از بزرگان صحابه است، در جنگ صفین شعری سروده و آن را در پیشگاه امیر المؤمنین (ع) خوانده است. از این شعر پیداست که او همین معنا را از سخن پیامبر فهمیده است.

نمونه ای از اشعار قیس چنین است:

... و على امامنا و امام

لسوانا به امتى التنزيل

يوم قال النبى: من كنت مولا

فهذا مولاه خطب جليل

ان ما قاله النبى (ص) على الا

مة حتم ما فيه قال وقيل. (3)

علی پیشوای ما و پیشوای جز ما است، این سخنی است که قرآن آورده است. روزی که پیامبر فرمود هر کس را که من مولای اویم، پس

ص: 8

---

1-16. فرائد السمطين، جوینی 1/427؛ ینابیع المودة، حنفی قندوزی 1/349؛ معجم الادباء، یاقوت حموی، 14/48 دارالفکر 1400

هـ.

2-17. المناقب، خوارزمی، ص 135، ح 152.

3-18. تذکره الخواص، سبط این جوزی، ص 39.

این علی مولای او است، خبر بسیار بزرگ و با عظمتی است. آنچه را پیامبر (ص) به امت گفته، حتمی و مسلم است و گفتگویی در آن نیست.

چنانکه می بینید، هم خود امیر المؤمنین (ع) و هم حسّان و قیس انصاری که از صحابه و آشنا به موازین کلام عرب اند از سخن رسول خدا در غدیر که فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه» امامت و خلافت علی (ع) را دریافته و به امامت آن حضرت گواهی داده اند.

گذشته از این، شیخین (ابوبکر و عمر) که در روز غدیر در پیشاپیش صحابه به امیر المؤمنین (ع) به این صورت تهنیت گفتند: «بخ بخ یابن ابی طالب اصبحت و امسیت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة» (1)، همین معنا را از سخنان حضرت رسول (ص) فهمیده بودند و گرنه تهنیت گفتن آنان به امیر المؤمنین (ع) معنا نداشت.

نیز چنانچه می دانیم، کلمه مولی در حدیث غدیر دو بار به کار رفته است، بار اول درباره پیامبر اکرم (ص) «من كنت مولاه» و بار دوم در مورد علی (ع) «فعلی مولاه» و به گفته ابن طلحه شافعی، مولی در مورد پیامبر (ص) به هر معنایی که به کار رفته باشد، پیامبر (ص) آن را برای علی (ع) هم قرار داده است. و این درجه رفیعی است که پیامبر (ص) آن را تنها به علی (ع) اختصاص داده، و به همین خاطر، این روز برای اولیای خدا روز عید و موسم شادی است. (2)

و چنان که می دانیم کلمه مولی در مورد پیامبر (ص) قبل از هر چیز، بدین معنا است که آن حضرت رهبر و

ص: 9

---

1-19. تاریخ بغداد 8/290؛ مناقب، ابن مغزلی ص 19.

2-20. مطالب السؤل، ابن طلحه شافعی 1/82، چاپ بیروت 1420 هـ-.

پیشوای الهی و آسمانی مردم مسلمان است. پس علی (ع) هم پیشوای الهی و آسمانی مردم مسلمان است

آری، این که گفته اند اصحاب پیامبر (ص) که در غدیر خم حضور داشته اند از سخن آن حضرت، اولی به تصرف بودن علی (ع) نسبت به مردم، و امامت و خلافت ایشان را استنباط نکرده اند، سخن نادرستی است که اسناد و مدرک تاریخی، آن را نفی می کند.

حمل کلمه «مولی» در سخن پیامبر (ص) در روز غدیر خم بر معنای دوستی و محبت، چیزی است که دانشمندان اهل سنت آن را در دهه ها و قرون بعد برای توجیه عملکرد پیشینین خود پدید آورده اند، تا به گمان خود آنان را از اتهام سرپیچی از فرمان رسول خدا (ص) برهانند.

نیز این حقیقت که علی (ع) بارها در سخنان خود، (چه در نهج البلاغه و چه در دیگر آثار معتبر امت اسلامی) خلافت را حق مسلم خود می داند، این اقدام حضرت، نشأت گرفته از حدیث غدیر است.

حضرت پس از آنکه مردم پس از مرگ عثمان به ایشان مراجعه کرده و زمام خلافت را به احراز به وی سپردند فرمود:

«الان اذ رجع الحق إلى أهله و نقل إلى منتقله!» (1)

هم اکنون (که خلافت را به من سپردید) حق به اهل آن بازگشت، و دوباره به جایگاهی که از آن دور مانده بود، بازگردانده شد.

و در جای دیگری می فرماید:

الهم إني أستعديك على قریش و من أعانهم! فإنهم قطعوا رحمی، و صغروا عظیم منزلتی، و أجمعوا علی منازعتی أمراً هولی. ثم قالوا: ألا إن فی الحق أن تأخذه، و فی

ص: 10



الحق آن تترکه. (1) بار خدایا، از قریش و از تمامی آنها که یاریشان کردند به پیشگاه تو شکایت می کنم، زیرا قریش پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند، و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند، و در غصب حق من، با یکدیگر هم داستان شدند، سپس گفتند: برخی از حق را باید گرفت و برخی را باید رها کرد، (یعنی خلافت اگر چه حق تو است، اما باید رهاش کنی).

و در روز شوری، پس از آنکه یکی از اعضای شوری، آن حضرت را نسبت به خلافت به حرص متهم کرد و گفت: تو نسبت به خلافت حریص می باشی! آن حضرت فرمود: ... و إنما طلبت حقاً لی و أنتم تحولون بینی و بینه، و تضربون وجهی دونه» (2).

... به خدا سوگند! شما با این که از پیامبر اسلام دورترید، حریص تر می باشید، اما من شایسته تر و نزدیکتر به پیامبر اسلام، همانا من تنها حق خود را مطالبه می کنم که شما بین من و آن حائل شدید، و دست رد بر سینه ام زدید.

این نکته را نیز لازم است در پایان متذکر گردیم که مردم عادی حاضر در جریان غدیر خم از دو حال بیرون نبودند عده ای از ایشان یا دارای منفعی در سقیفه بودند، و یا این که به زور تطمیع و یا تهدید مجبور به همکاری و بیعت شدند. (3) و یا نه سودی می بردند و نه به اجبار بیعت کردند، بلکه می دانستند که تاب حکومت علی را ندارند و یا از او کینه هایی داشتند، چراکه بسیاری از اقوام کافر و شرک آنان را

ص: 11

---

1-22. همان، خطبه 172.

2-23. همان.

3-24. نک: جمل، شیخ مفید، ص 59؛ شرح اصول کافی، مولی محمد صالح مازندرانی، ص 260.

در جنگ‌ها کشته بود. عده‌ای را نیز گفته شده است که از روی جهل با ابوبکر بیعت کردند. اینان کسانی بودند که واقعه غدیر را شنیده بودند و به گمان این که ابوبکر همان علی (ع) است که پیامبر سفارش به ولایت او کرده با وی بیعت کردند. (1)

## منابع و مأخذ

1. غدیر، سند گویای ولایت، گروه معارف و تحقیقات اسلامی.
2. الغدیر، شیخ عبدالحسین امینی، یازده جلدی.
3. التنبيه و الأشراف، للمسعودی، تک جلدی.
4. فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی.
5. مجتمع الیثرب، خلیل عبدالکریم.
6. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن جعفر ابن ابی واضح.
7. البداية والنهاية، الحافظ ابن کثیر دمشقی.
8. معجم لغة الفقهاء، محمد قلعجی.
9. اسرار آل محمد (ص)، سلیم ابن قیس هلالی.
10. فرائد السمطين، ابراهیم ابن محمد جوینی خراسانی.
11. السقیفة والفدک، ابی بکر احمد ابن عبدالعزیز جوهری.
12. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید.
13. جمل، شیخ مفید.
14. شرح اصول کافی، مولی محمد صالح مازندرانی.
15. المعیار و الموازنه، ابی جعفر الأسکافی.

ص: 12

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

